

## نگاهی انتقادی به مفهوم ایثار و شهادت در خاطرات فرماندهان جنگ

غلامرضا آذری خاکستر<sup>۱</sup>

### چکیده

تأمل در واژه‌هایی همچون «دفاع مقدس» و «جنگ تحمیلی» موجب می‌شود تا رویکردی متفاوت به مقوله‌ی جنگ داشته باشیم، زیرا جنگ در معنی عام یک نوع تقابل در ذهن به وجود می‌آورد، ولی وقتی تمرکز با محوریت دفاع مقدس باشد، به طور طبیعی مفاهیمی همچون ایثار و شهادت جایگاه خاصی در آثار و خاطرات جنگ خواهد داشت. مقوله‌ی ایثار و شهادت را می‌توان در دو دسته از آثار مرتبط بررسی کرد: نخست، کتاب‌هایی که حاوی خاطرات فرماندهان جنگ است و به مفهوم تاریخ شفاهی نزدیک است. دوم، آثاری که براساس خاطرات و با ذوق و قلم نویسندگان تدوین شده است.

این مقاله درصدد است تا با بررسی خاطرات بعضی از فرماندهان جنگ، به این سؤال اساسی پاسخ دهد که:

مفهوم ایثار و شهادت در این‌گونه آثار چه جایگاه و چه مفهومی را می‌رساند؟

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ شفاهی، خاطرات، جنگ، ایثار و شهادت

### مقدمه

مقام والای شهید از صدر اسلام تاکنون در فرهنگ و ادبیات تشیع جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد. شهادت در لغت به معنای گواهی دادن، کشته شدن در راه خدا و دین و شهید، یعنی حاضر و شاهد (معین، ۱۳۷۱: ۲۰۹۵ و ۲۱۰۰) آمده است. قداست این واژه موجب فراوانی آن در شعر (شیرشاهی، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۲۲۰) و ادبیات انقلاب شده است.

«خون تو شرف را سرخگون کرده است.

شفق آینه‌دار نجابت،

و فلق محرابی که تو در آن نماز صبح شهادت گزارده‌ای» (گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۳۹)

بنابر نوشته‌ی دکتر شریعتی شهادت در یک کلمه، در فرهنگ ما یک درجه است، وسیله نیست، خود هدف است، اصالت است، خود یک تکامل، یک علو است. خود مسئولیتی بزرگ است (شریعتی، ۱۳۶۱: ۱۲۹).

شهید و شهادت در ادبیات دفاع مقدس<sup>۲</sup> بیانگر دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌ها در مقابل نیروهای متجاوز بعثی است. بخشی از خاطرات رزمندگان و فرماندهان جنگ تحمیلی به نحوه‌ی شهادت هم‌زمانشان اختصاص دارد که با عناوینی، چون فرهنگ ایثار و شهادت معرفی شده است. اگر فرهنگ جبهه را مجموعه فرایندهای رفتاری و گفتاری و نوشتاری رزمندگان جبهه‌ها بدانیم که در طول مدت جنگ در ذهن و ضمیر و عمل آنان به طور طبیعی به وجود آمده و ظهور

---

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد، پژوهشگر تاریخ شفاهی، کارشناس مطالعات وقف، مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی

<sup>۲</sup> - ادبیات دفاع مقدس به ادبیاتی اطلاق می‌شود که درباره‌ی مقاومت و ایستادگی و دفاع مبتنی بر ارزش‌های دینی و الهی است، این ادبیات، ادبیات ضد جنگ هم هست، چون دفاع، ضد جنگ است. (سنگری، محمدرضا (۱۳۹۰). ادبیات دفاع مقدس (مباحث و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی)، ج ۱، تهران: خانه‌ی کتاب، ص ۲۱).

یافته است (کمری، ۱۳۷۳: ۲۶)، با شیوه‌ی تاریخ شفاهی<sup>۳</sup> هم می‌توان بخشی از فرهنگ دفاع مقدس را ثبت کرد، زیرا مفاهیمی چون دفاع مقدس بیانگر بار ارزشی و مفهومی فرهنگی است که در قالب مفاهیمی چون ایثار و شهادت تحقق یافته است. به قولی، جنگ هشت‌ساله‌ی ایران و عراق در زمان وقوع و جریان، غالباً جنگ تحمیلی و در پایان و پس از آن «دفاع مقدس» خوانده شد (کمری، ۱۳۸۷: ۲۱). بنابراین، این موضوع جنبه‌ی تاریخی دارد و باید از نگاه محققان واکاوی شود.

انتشار بخشی از خاطرات جنگ سبب شده تا نگاهی علمی به موضوع شهادت داشته باشیم. تاکنون مقالات و کتاب‌هایی درباره‌ی ایثار و شهادت نگاشته شده، ولی درباره‌ی نقد مفهوم ایثار و شهادت در خاطرات فرماندهان جنگ تحمیلی تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. هرچند در مواردی دوران دفاع مقدس بدون نگاه به جنبه‌های ارزشی مطرح است (حاجی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۷) و عواملی چون جدی نگرفتن مفاهیم، معانی و اهمیت عظمت شهدا و ایثارگران و فرهنگ ایثار و شهادت (جانعلیزاده، ۱۳۸۸: ۱۱۹)، می‌تواند دلیلی برای نگارش این مقاله باشد. برجسته‌سازی عوامل غیبی و غیرمادی حوادث جنگی بدون فراهم‌سازی تمهیدات لازم و قانع‌کننده برای باورپذیر کردن این امور برای خوانندگان (همان: ۱۲۲) آسیب جدی در فرهنگ ایثار و شهادت تلقی می‌شود.

مهم‌ترین سؤال این پژوهش عبارت است از: مفهوم ایثار و شهادت چه جایگاهی در خاطرات فرماندهان جنگ تحمیلی دارد؟ چگونه می‌توان این موضوع را در قالب تاریخ شفاهی بیان کرد؟

بررسی واژه‌ی شهادت در خاطرات بابا نظر موضوع اصلی این پژوهش است، ضمن اینکه برای بررسی بیشتر، از خاطراتی که به تاریخ شفاهی نزدیک است، همچون: نبرد درالوک، خاطرات سردار جعفر جهروتی‌زاده و کتاب ده متری چشمان کمین به روایت سردار بسیجی، حاج جعفر مظاهری، استفاده شده است.

## تاریخ شفاهی

گستره‌ی موضوعات تاریخ شفاهی موجب شده تا ابعاد جدیدی از این شیوه حتی در فرهنگ و ارزش‌ها وارد شود، زیرا تاریخ شفاهی نه تنها درباره‌ی اینکه مردم چه کردند سخن می‌گوید، بلکه درباره‌ی اینکه آنها چه می‌خواستند انجام دهند نیز به ما خبر می‌دهد (نورایی، ۱۳۸۸). بنابراین، پژوهش‌گر حیطه‌ی تاریخ شفاهی با مدارک ضبط‌شده‌ای که در اختیار دارد، حالات و طرز بیان مصاحبه‌شونده را نیز که از لحاظ روان‌شناسی مهم است، درک می‌کند<sup>۴</sup> و از طریق ثبت گزارش‌های تاریخی به همراه زیر و بم صدا و ظرایف کلامی و عواطف و احساسات اشخاص، تجربیات آنان را با گزارش‌های تاریخی تلفیق می‌کند (رسولی‌پور، ۱۳۸۶: ۵). بنابراین، محتوای تولیدشده از فرایند تاریخ شفاهی دربردارنده‌ی برداشت‌های ذهنی فرد از یک حادثه است (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۴۲) که در یک مصاحبه‌ی فعال نمود می‌یابد (نورایی،

---

۲- جهت اطلاع بیشتر پیرامون تعاریف تاریخ شفاهی بنگرید به: حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۵). تاریخ شفاهی در ایران، مشهد: سازمان کتاب‌خانه‌ها، موزه‌ها و مدیریت اسناد آستان قدس رضوی.

۱- زیرا در طنین صداها و لحن گفتارها معانی گوناگونی از شخصیت افراد، ضعف و غضب، قاطعیت صلابت، تمنا و التماس، آرامش و اضطراب و برخی دیگر از صفات افراد نهفته است که اینها را نمی‌توان در کتاب مکتوب کرد (باقی، ع (۱۳۷۳). تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران، تهران: تفکر، ص ۱۴).

۱۳۹۰: ۲۰). و خاطره هسته‌ی مرکزی تاریخ شفاهی را تشکیل می‌دهد (ملایی توانی، ۱۳۸۸: ۱۰۶). بررسی برخی از خاطرات منتشرشده از فرماندهان جنگ تحمیلی نشان می‌دهد هنوز تاریخ شفاهی به برخی از موضوعات وارد نشده و در واقع، خاطرات منتشرشده عجولانه ثبت شده و برخی از مفاهیم، از جمله ایثار و شهادت به طور جدی واکاوی و تحلیل نشده است و در زمینه‌ی علمی و آکادمیک می‌توان نسل فعلی و آینده را با مفاهیم دفاع مقدس آشنا کرد.

### مهم جلوه دادن مفاهیم ایثار و شهادت

از طریق مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، به صورت مجزا باید این موضوع بررسی شود و دیدگاه رزمندگانی که در جبهه و جنگ حضور داشته‌اند، ثبت شود. با طراحی پروژه‌های تاریخ شفاهی مرتبط با ایثار و شهادت می‌توان آن را مهم جلوه داد و موضوعات متنوعی را مطرح کرد. قلمرو پژوهش پیرامون ایثار و شهادت، گسترده و موضوعات متنوعی در ابعاد سیاسی - فرهنگی و اجتماعی دارد. محقق تاریخ شفاهی می‌تواند از طریق دسترسی به اسناد و مصاحبه با هم‌زمان و سایر افرادی که آگاهی کافی راجع به موضوع دارند، ابعاد شخصیتی شهدا را بررسی کند. وجه تمایز تاریخ شفاهی نسبت به خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی زمانی آشکار می‌شود و آن تشخیص به موقع مصاحبه‌گر و به چالش کشیدن راوی است، به نحوی که راوی و مصاحبه‌شونده درمی‌یابد که وقایع و رویدادها را آن‌گونه که رخ داده، بیان کند، نه آن‌گونه که تمایل دارد (نورایی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). بنابراین، در مصاحبه‌ی تاریخ شفاهی به سبب گسترده‌ی اطلاعات مصاحبه‌کننده، متن تولیدشده از مصاحبه، بخشی از تاریخ خواهد بود.

دیدهای راویان از شهادت، اطلاعات خانواده‌ی شهید (پدر، مادر، همسر و فرزندان)، دوستان و همکلاسی‌ها و ... سرفصل‌هایی برای تدوین طرح‌های تاریخ شفاهی است. این موضوع کمک می‌کند تا شخصیت واقعی شهدا ارائه شود. در لابه‌لای خاطرات سردار جعفر مظاهری<sup>۵</sup> به این موضوع اشاره شده است:

س: جناب مظاهری! علی آقا (چیت‌سازیان) در بین رزمندگان استان همدان خیلی ویژه است. به همین دلیل متأسفانه عده‌ای خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه حرف‌هایی زده‌اند که در شأن ایشان نیست. گاه از شجاعت او به گونه‌ای سخن رفته است که او را رزمنده‌ای سنگدل جلوه می‌دهد یا اینکه مثلاً ایشان چند بار کربلا رفته است و ... نظر شما چیست؟

---

۱- جعفر مظاهری در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۰ در همدان چشم به جهان گشود. پس از گذراندن دوره‌ی آموزشی نظامی چریک و ضد چریک در همدان و حضور در کنار شهید چمران، به گروه‌های جنگ‌های نامنظم پیوست. در تیرماه سال ۱۳۵۹ پس از اخذ دیپلم به سپاه پاسداران پیوست و در منطقه‌ی سرپل ذهاب به خدمت اسلام درآمد. در زمستان سال ۱۳۶۰ به معاونت سردار شهید علی‌رضا حاجی بابایی، فرماندهی محور جبهه‌ی میانی سرپل ذهاب تا پایان عقب‌نشینی عراق از منطقه منصوب شد.

مسئولیت‌های دیگر سردار مظاهری عبارت است از: ۱- فرماندهی گردان خندق در عملیات رمضان ۲- فرماندهی گردان مستقل سپاه کوهستانی انصارالحسین سپاه همدان ۳- فرماندهی عملیات تیپ و پس از مدتی جانشین فرماندهی تیپ تا اواخر تابستان ۱۳۶۴ ۴- جانشین فرماندهی لشکر ۱۶ قدس گیلان و شرکت در عملیات‌های کربلای ۴، ۵ و تکمیلی کربلای ۵ در سال ۱۳۶۵ ۵- جانشین فرماندهی عملیات سپاه سوم قدس و فرارگاه قدس تا پایان جنگ ۶- آخرین مسئولیت سردار مظاهری، جانشین فرماندهی فرارگاه نجف در نیروی سپاه در غرب کشور بود. این سرباز و جانباز فداکار دین و وطن به علت ناراحتی‌های جسمی و روحی از ادامه‌ی خدمت رسمی بازنماند (سایت ساجد).

ما درباره‌ی شهدا نیازی به غلو و بزرگ‌نمایی نداریم. به نظر من اگر ما همت کنیم، بتوانیم بخش کوچکی از واقعیت‌های شخصیتی شهدایمان را بازگو کنیم، هنر بزرگی کرده‌ایم. بنابراین، ارائه‌ی شخصیت واقعی و درست از علی‌چیت‌سازیان، کافی است که حتی تا سالیان بعد هم او به عنوان الگویی مناسب برای جوانان ما مطرح باشد (صیفی‌کار، ۱۳۸۹: ۴۶۳).

## آرزوی شهادت

فرماندهان، شهادت را یک آرزو می‌دانند و این موضوع در خاطرات آنها منعکس شده است. درد دل‌های بنادری بعد از جنگ گواه این مسئله است.

لباس پاسداری‌ام را که حالا دیگر برایم تنگ شده، هنوز نگه داشته‌ام. هرگاه دلم برای بچه‌های جنگ و سپاه تنگ می‌شود، لباس‌ها را می‌بویم و به یاد شهدای جنگ اشک می‌ریزم. با خودم نجوا می‌کنم که چرا با آن همه حوادث، شهادت نصیب من نشد (باحسینی، ۱۳۸۹: ۳۸۲).

در صفحاتی دیگر از کتاب سرباز سال‌های ابری شهادت مسیر آرزوی همه عنوان شده است. بهزاد شهید شد؟ خبر مثل پتک بر سرم فرود آمد. اما در آن حال و اوضاع، جای میدان دادن به احساسات شخصی نبود. بلند گفتم: انا لله و انا الیه راجعون. بعد به جلیل گفتم: چرا گریه می‌کنی؟ محکم باش! به آرزویش رسید. در مسیری رفت که آرزوی همه‌ی ماست! (همان: ۲۷۴)

## حالت خبری

در مواردی کلمه‌ی شهادت در حد یک خبر است و از مفهوم ارزشی آن غفلت شده است. در این هلی‌کوپتر چند مجروح و یک خانم پرستاری بودند که تا لحظه‌ی آخر که دشمن می‌خواست وارد بیمارستان شود، این خانم هم جنگیده بود و هم مجروحان را مداوا کرده بود. در پی از بین رفتن تعادل، هلی‌کوپتر سقوط کرد و تمام سرنشینان آن، از جمله خانم پرستار به شهادت رسیدند (همان: ۲۴).

## عدم نگارش واژه‌ی شهادت

نوع بیان راوی و نوع نگارش تدوین‌گر از مباحث مهم که ارتباط منطقی بین این دو مفهوم وجود داشته باشد. در بخشی از خاطرات سردار جهروتی‌زاده واژه‌ی شهادت به کار نرفته است.

... وقتی سر و صداها خوابید، من با همان جیب عراقی که برای نجات کسایان رفته بودم، به سمت تپه چشمه راه افتادم. جنازه‌ی بچه‌های خودمان کنار جاده زیاد بود. ... جیب را نگه داشتم و پایین آمدم. جنازه‌ی کسایان را داخل ماشین گذاشتم. دیگر به سمت تپه چشمه نرفتم. برگشتم و جنازه‌ی او را تحویل دادم (جوانبخت، ۱۳۸۶: ۶۵).

## عدم برجسته‌سازی مجروحیت

در خاطرات سردار جهروتی‌زاده عدم برجسته‌سازی مجروحیت و شهادت نمایان است.

البته عراقی‌ها ابوطالبی را که پشت سر ما پای خمپاره بود، به شهادت رسانده بودند. من هم که در این عملیات مجروح شده بودم، پس از مرخص شدن از بیمارستان به سپاه پاسداران کامیاران رفتم و از آنجا تسویه کردم (همان: ۴۴).

نرسیدن سؤالی خاص در زمینه‌ی شهادت، از سوی مصاحبه‌کنندگان، در بررسی خاطراتی که به صورت سؤال و جواب تدوین شده است، موضوع شهادت سهم اندکی از کل خاطرات دارد.

## نوع بیان

نوع بیان موضوع ارتباط با مخاطب را تبیین می‌کند. در کتاب سرباز سال‌های ابری وقتی سؤال می‌شود: آقا دشتی چطور شهید شدند؟ پاسخ عبدالحسین بنادری<sup>۶</sup> چنین است:

دشتی شهردار و رزمنده بود. در مسجد خودشان نیروها را برای رفتن به جنگ با عراقی‌ها سازمان‌دهی می‌کرد که یک گلوله توپ فرود آمد و به شهادت رسید (یاحسینی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

## درد دل‌ها

در **خاطرات بابا نظر** درد دل‌هایی وجود دارد که غیرمستقیم، شرایط و وضعیت یک ایثارگر در جامعه را نشان می‌دهد. من تاریخ زنده‌ی بچه‌های سپاه و بسیج خراسان در جبهه و جنگ هستم. با این حال، بعضی وقت‌ها دلم می‌خواهد از غصه بترکد. می‌خواهم منفجر شوم. وقتی می‌خواستند مدال‌های افتخار بدهند، فهمیدم اصلاً از من و شهید شریفی و شهید علیمردانی صحبتی به میان نیاورده‌اند؛ هرچند که مدال افتخار، یک نشانه بیشتر نباشد. پهلوان هشت سال جنگ مدال افتخار نگرفته است، اما مجروحیت و عمل‌های جراحی متعدد موجب شده تا مشکلات فراوانی فرا روی این فرمانده باشد.

---

۱- عبدالحسین بنادری در ۶ خرداد ۱۳۳۵ در شهر آبادان به دنیا آمده است. پدرش اصالتاً دشتستانی و از کارگران شرکت نفت در قسمت تعمیر موتور لنج و کشتی‌های شرکت نفت بوده است. وی تحصیلات ابتدایی را از ۱۳۴۲ در مدرسه‌ی جامی آبادان شروع کرده، سپس دوران متوسطه را در دبیرستان اروند و فرخی به پایان رسانده و در ۱۳۵۴ دیپلم رشته‌ی طبیعی گرفته است.

عبدالحسین بنادری از تیرماه ۱۳۵۵ به خدمت سربازی اعزام می‌شود و دوران آموزشی در منجیل بوده، سپس در تیپ شانزده زرهی قزوین در رشته‌ی دیده‌بانی خمپاره‌انداز مشغول خدمت سربازی می‌شود. با شروع فعالیت‌های انقلابی و حضور همگانی مردم در اجتماعات و راهپیمایی‌ها در کنار مردم در مبارزه با رژیم پهلوی حضور فعال دارد، به طوری که با پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نگهبان و گشت شهری در کنار انقلابیون آبادان حضور دارد. مبارزه با مفسد اجتماعی و مواد مخدر، از جمله فعالیت‌های وی در این دوران محسوب می‌شود. سپس از آبان ۱۳۵۸ به عنوان عضو سپاه پاسداران مأموریت مبارزه با عناصر ضد انقلاب در جزیره‌ی مینو را شروع می‌کند و از اواخر ۱۳۵۸ به عنوان مسئول سپاه در جزیره‌ی مینو مشغول خدمت می‌شود.

با شروع جنگ تحمیلی، فعالیت‌های او به عنوان مسئول عملیات سپاه آبادان در جنگ شروع می‌شود. حضور مستمر در جنگ تحمیلی به عنوان فرماندهی تیپ و عملیات موجب شده تا او تجربیات منحصر به فردی در تحلیل جنگ داشته باشد. کتاب **سرباز سال‌های ابری** روایت نقش عبدالحسین بنادری در جنگ تحمیلی، به‌خصوص حضور در عملیات‌ها و تجزیه و تحلیل مسائل جنگ است. در این کتاب خواننده با جنگ در مناطق عملیاتی، چون جزیره‌ی مینو، خرمشهر و آبادان آشنا می‌شود (آذری خاکستر، غلامرضا، «نقد و بررسی سرباز سال‌های ابری»، هفته‌نامه‌ی الکترونیکی تاریخ شفاهی، شماره‌ی ۶۳، ۱۳۹۰/۱۲/۱۷).

خجالت می‌کشم بگویم، اما بدانید که از سال ۱۳۶۲ با زخم هیچ فرقی ندارم، چشمم کور شده، گوشم کر شده، ستون فقراتم شکسته و قفسه‌ی سینه‌ام از دو قسمت متلاشی است. مقداری از ماهیچه‌ی دست‌های چپ و راستم از بین رفته است و بیش از ۱۶۰ تیر و ترکش خورده‌ام که هنوز تعدادی از آنها را به یادگار دارم. ترکش روی پرده‌ی مغزم، هشدار همیشه‌ی من است (همان).

### قلم نویسنده

انتشار این‌گونه خاطرات مدخل مهمی برای سایر موضوعات تاریخ شفاهی در حوزه‌ی جنگ و دفاع مقدس تلقی می‌شود، ولی به نظر می‌رسد حتی در آثاری که اخیراً منتشر می‌شود ملاک، نوع قلم تدوین‌کننده است که جریان و ادبیات جنگ را به وجود می‌آورد و اصالت و سادگی خاطره در میان واژه‌ها گم یا پنهان می‌شود.

«احساس می‌کردم در فضایی داغ و محو غوطه‌ورم ... با صورت بر زمین خوردم. صداها، بوها، طعم خاک و خون ... همه چیز قاطی شده بود و من در حالی که روی زمین افتاده بودم با همه‌ی توانم سعی می‌کردم بدانم چی شده است. سرم را به زحمت از زمین بلند کردم، اما هیچ جا را نمی‌دیدم. دستم را به صورتم بردم تا خاک و خون را از چشمانم کنار بزنم، اما ناگهان دستم تو صورتم فرو رفت! مایعی گرم و لزج انگشتانم را خیس کرد. دلم ریخت. آیا صورتم له شده است؟» (سپهری، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

### دست‌نوشته‌ها

موضوع شهید و شهادت در دست‌نوشته‌ها و خاطرات روزانه‌ی فرماندهان هم منعکس شده است. احمدعلی ابکایی از فرماندهان جنگ که بیشتر در گردان امام محمد باقر (ع) حضور داشته و دست‌نوشته‌ای هم از روزهای جنگ داشته است، خاطراتش به تاریخ شفاهی نزدیک است. روایت شهادت هم‌زمانش در خاطرات روزنوشتش چنین آمده است.

«۱۳۶۴/۲/۲۷ یکی از برادرانم به نام ایوب الهی که مشغول شنا کردن بود، مورد اصابت ترکش قرار گرفت و در دم شهید شد. دو نفر دیگر هم به شدت مجروح شدند. من شهید را بغل کردم و همراه او، دو مجروح دیگر را داخل قایق گذاشتیم و سریع آنها را به اورژانس گردان منتقل کردیم. در آنجا مطمئن شدم که ایوب الهی شهید شد. چشم او را که باز بود، بستم و روی او یک پتو کشیدم.

خدا می‌داند که وقتی به چهره‌ی مظلوم و معصوم او نگاه می‌کردم و او را می‌بستم، چه حالی به من دست داد.

دنیا می‌خواست روی سرم خراب شود، ولی دیگر این چیزها برایم عادی شده بود ...» (شیردل، ۱۳۹۰: ۱۷۲)

مفهوم ایثار و شهادت و انتقال مفاهیم جهاد و ایثار در خاطرات، برجسته نیست، یعنی حتی شهید و شهادت هم در متن خاطرات پنهان شده‌اند.

صحنه‌ی شهادت محمدرضا خطیبی را ابکایی از قول غواص‌هایی که برای انتقال پیکر شهید رفته بودند، چنین بیان می‌کند: غواص‌ها می‌گفتند: با بلم داشتیم می‌گشتیم که ناگهان در عمق نیم‌متری داخل نی‌زار جنازه‌اش را پیدا کردیم. به خاطر سنگینی تجهیزات، زیر آب رفته بود. صورتش رو به آسمان بود و چشمانش باز. زلالی آب هور همراه با نورانیت شهید، جلوه‌ی معنوی خاصی به فضا داده بود. چولان‌های هور و برگ‌های سبز نی‌زار که دور شهید خطیبی را احاطه کرده بودند، شبیه باغ‌های بهشتی بود که وصفش را توی کتاب‌ها خوانده بودم (همان: ۱۸۷).

در اغلب کتاب‌های منتشرشده به موضوع شهادت رزمندگان یا فرماندهان اشاره شده و خواننده بدون تأمل مطالب را مرور می‌کند، ولی اگر موضوع ایثار و شهادت همراه با خاطرات و نحوه‌ی شهادت، حس رزمندگان در لحظه‌ی شهادت، اخلاق و روحیات شهدا و ایثارگران باشد، ادبیات دفاع مقدس را غنی و جذاب می‌کند. خاطرات دربردارنده‌ی تاریخ و تحولات جنگ و نحوه‌ی شهادت رزمندگان است. اگر متن‌های منتشرشده فقط جنبه‌های تبلیغی مورد نظر باشد و به تحقیقات پژوهش‌گران کمک نکند، قطعاً به مرور زمان کارایی خود را از دست می‌دهد.

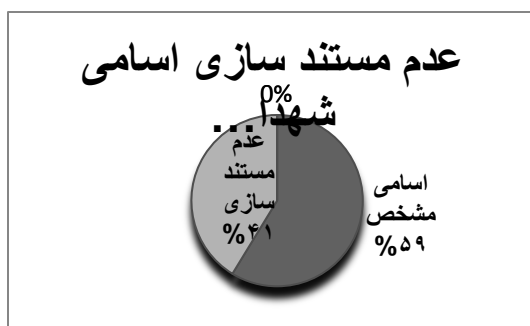
بررسی **خاطرات بابا نظر** از فرماندهان جنگ در خراسان نشان می‌دهد وقتی محتوای کتاب از لحاظ علمی بررسی شود، اشکالاتی بدین شرح دارد:

#### ۱- عدم مستندسازی اسامی شهدا

سراسر **خاطرات بابا نظر** اسامی افرادی است که در جنگ به شهادت رسیدند. در مجموع اسامی ۶۳ نفر از شهدا از متن خاطرات بابا نظر استخراج شده است. تأمل و تحلیل واژه‌ی شهادت در این کتاب به موارد ذیل منتج می‌شود:

۱- به صورت گذرا به شهادت پرداخته شده و در مواردی حتی نام شهید مورد نظر ذکر نشده است. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۵۲، ۸۹ و ۳۷۹) ۲۶ مورد از اسامی شهدا در **خاطرات بابا نظر** به صورت کامل مشخص نیست و مستندسازی نشده است، بنابراین ۴۱ درصد از اسامی مستند نشده است و اسامی ۳۷ نفر، یعنی ۵۹ درصد از شهدای بیان‌شده در **خاطرات بابا نظر** مشخص است. (نمودار شماره ۱). در مواردی حتی با شک و تردید محل شهادت شهدا ثبت شده است.<sup>۱</sup>

#### نمودار شماره ۱



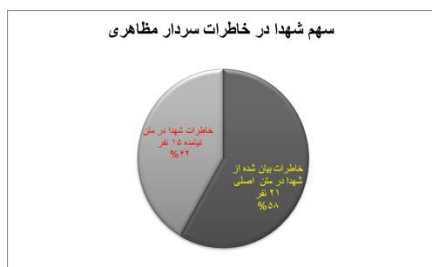
۲- از ۶۳ شهید مورد نظر (جدول شماره ۱) فقط خاطرات ۲۱ نفر از آنها در متن کتاب به صورت مختصر بیان شده که سهم آنها ۳۳ درصد است و از ۴۲ نفر، یعنی ۶۷ درصد فقط به کلمه‌ی شهید کفایت شده است، در حالی که برخی از اسامی مندرج از دوستان بابا نظر بوده‌اند و چنین به نظر می‌رسد خاطرات به صورت کامل بیان نشده است.

بررسی موضوع شهادت در **خاطرات بابا نظر** دو رویکرد ارائه می‌دهد. نخست، تدوین‌کننده حوصله‌ی بررسی بیشتر در ارتباط با شهدا را نداشته و این موضوع در تدوین در حاشیه قرار گرفته است. دوم آنکه مصاحبه‌کننده فقط خاطرات را ثبت کرده و در واقع، مصاحبه‌ی فعال تاریخ شفاهی انجام نشده است تا راوی به تمام مفاهیم و ارزش‌های دفاع مقدس بپردازد.

۱- پورولی در عملیات چزابه یا طریق‌القدس شهید شد. رحیمی، مصطفی (۱۳۸۸). بابانظر: خاطرات شفاهی شهید محمدحسن نظرزاد، ص ۱۲۱.

تحلیل اسامی شهدا در خاطرات سردار جعفر مظاهری نشان می‌دهد از اسامی ۳۶ شهید در متن این کتاب ۲۱ نفر، یعنی ۵۸ درصد از شهدا در متن خاطراتی از آنها بیان شده و از ۱۵ نفر از شهدا فقط در حد اسم و به توضیحات تدوین‌کننده بسنده شده است؛ یعنی از ۴۲ درصد از شهدا در متن کتاب خاطرات بیان نشده است (نمودار شماره ۲).

#### نمودار شماره ۲



اگر کل محتوای خاطرات سردار مظاهری را تحلیل دقیق کنیم، در مجموع از فصل انقلاب تا پایان خاطرات، ۱۰۲۱ سؤال از راوی کتاب ده متری چشمان کمین پرسیده شده که ۴۰ سؤال به شهدای متن کتاب اختصاص دارد، یعنی فقط سهم شهید و شهدا ۴ درصد بوده است.

#### نتیجه

بررسی خاطرات تعدادی از فرماندهان جنگ تحمیلی نشان می‌دهد موضوع شهید و شهادت مورد توجه راویان بوده و در خاطرات منعکس شده است، ولی به دلایلی، چون عدم مستندسازی اسامی شهدا به وسیله تدوین‌کنندگان، عجولانه ثبت کردن خاطرات و عدم مصاحبه‌های فعال، شهید و شهادت پنهان مانده است. بنابراین، برای برجسته‌سازی مفاهیم شهید و شهادت تعریف طرح‌های تاریخ شفاهی در ابعاد و موضوعات مختلف کمک می‌کند تا این موضوع برجسته شود و در تحلیل‌های تاریخی مورد نظر واقع گردد.

#### منابع

- آذری خاکستر، غلامرضا، «نقد و بررسی سرباز سال‌های ابری»، هفته‌نامه‌ی الکترونیکی تاریخ شفاهی، شماره‌ی ۶۳، (۱۳۹۰/۱۲/۱۷)
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۳). تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران، تهران: تفکر.
- جانعلیزاده چوببستی، حیدر (۱۳۸۸). «چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه»، در فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره‌ی ۱۴.
- جوانبخت، محمود (۱۳۸۶). نبرد درالوک (خاطرات سردار جعفر جهروتی‌زاده)، تهران: سوره‌ی مهر.



- حاجی‌آبادی، رضا (۱۳۹۰). «تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی؛ ضرورت‌ها و فرصت‌ها». در *تاریخ شفاهی دفاع مقدس (مجموعه مقاله‌های همایش ملی تاریخ شفاهی با محوریت دفاع مقدس)*، به کوشش غلامرضا عزیزی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۵). *تاریخ شفاهی در ایران*، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مدیریت اسناد آستان قدس رضوی.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۸۸)، *بابا نظر: خاطرات شفاهی شهید محمدحسن نظرزاد*، تهران: شرکت انتشارات سوره‌ی مهر.
- رسولی‌پور، مرتضی (۱۳۸۶). «ضرورت توجه به تاریخ شفاهی»، در *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره‌ی ۱۱۸.
- سپهری، معصومه (۱۳۹۰). *نورالدین پسر ایران؛ خاطرات سید نورالدین عافی*، تهران: شرکت انتشارات سوره‌ی مهر.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۹۰). *ادبیات دفاع مقدس (مباحث و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی)*، ج ۱، تهران: خانه‌ی کتاب.
- شریعتی، علی (۱۳۶۱). *حسین وارث آدم و بحثی راجع به شهید*، تهران: انتشارات قم.
- شیردل، حسین (۱۳۹۰). *بلبا؛ روایت فرماندگان لشکر ویژه کربلا احمدعلی ابکایی*، تهران: فاتحان.
- شیرشاهی، افسانه (۱۳۹۰). *شعر مقاومت و دفاع مقدس*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صیفی‌کار، محسن (۱۳۸۹). *ده متری چشمان کمین؛ خاطرات سردار حاج جعفر مظاهری*، همدان: آل احمد.
- کاظمی، محسن (۱۳۸۹). «عوامل و متغیرهای مؤثر در متن مصاحبه»، در *مقوله‌ها و مقاله‌ها: بررسی ادبیات دفاع مقدس، مجموعه مقالات و نشست‌هایی در ...*، به کوشش محمدقاسم فروغی جهرمی، ج ۱، تهران: خانه‌ی کتاب.
- کمری، علیرضا (۱۳۸۷). *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق (مجموعه مقالات)*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد دفاع مقدس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). *درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌ها در گستره‌ی ادب و مقاومت و فرهنگ جبهه*، تهران: حوزه‌ی هنری.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی معین*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۸). «نقد و تحلیل داده‌های مصاحبه»، در *مصاحبه در تاریخ شفاهی / مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی (۶ و ۷ اسفند ۱۳۸۶)*، تهران: شرکت انتشارات حوزه‌ی هنری.
- موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۶۳). *خط خون*، تهران: زوار.
- نورایی، مرتضی (۱۳۹۰). «کالبدشکافی موضوع و موضوع‌یابی در تاریخ‌نگاری شفاهی»، در *روش‌شناسی و موضوع‌یابی مطالعات شهری در تاریخ شفاهی ایران (مجموعه مقالات پنجمین همایش تاریخ شفاهی ایران)*، به کوشش ابوالفضل حسن‌آبادی، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- نورایی، مرتضی (۱۳۸۸). «مقدمه‌ای بر فلسفه‌ی تاریخ شفاهی»، در *یاد ایام*، شماره‌ی ۵۳.
- نورایی، مرتضی و مهدی ابوالحسنی ترقی (۱۳۸۹). «مقایسه‌ی تحلیلی خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی»، در *گنجینه‌ی اسناد*، دفتر چهارم، شماره‌ی ۸۰، سال بیستم.
- یاحسینی، سید قاسم (۱۳۸۹). *سرباز سال‌های ابری: خاطرات عبدالحسن بنادری*، تهران: فاتحان.

- <http://www.sajed.ir/detail/۱۷۵۱۳>